

رویکردهای تربیتی (در قرآن، نهج البلاغه، سیره انبیاء و ائمه معصومین)

علی اصغر ماشینچی^۱ و منیژه ایران نژاد^۲

۱. استاد یار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران Mashinchi56@gmail.com

۲. ابواب جمعی اداره آموزش و پرورش استان هرمزگان - شهرستان پارسیان، دانشجوی دکتری برنامه ریزی

درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران Irannejadd819@gmail.com

(نویسنده مسئول)

چکیده

سابقه و هدف: بخشی از تاریخ صدر اسلام سیره علمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. توجه به سیره آنها برای هدایت اعتقادی، تربیتی و علمی مردم و رساندن آن به آیندگان امری ضروری است. اولین چیزی که به سیره پیامبر ارزش و اهمیت داده قرآن کریم است.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی^۱ است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش قرآن به صراحت، به مسلمانان دستور می دهد سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسوه نیکو و سرمشق خویش قرار دهند. بر این اساس، می توان گفت: یک اصل اساسی در سیره و رفتار دینی، سیاسی و اجتماعی پیامبران و امامان شیعه علیهم السلام، توجه آنها به تعلیم و تربیت مردم است، اصلی که از جمله وظایف و شئون اولیه یک حاکم اسلامی است.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می دهند، اطلاق می شود.

واژگان کلیدی: رویکردهای تربیتی، قرآن، نهج البلاغه، سیره انبیاء و ائمه معصومین.

^۱ analytic-descriptive

مقدمه

آنچه که در مدرسه به طور آگاهانه انجام می‌گیرد (جهت تربیت اخلاقی و ارزشی) به یادگیری‌های برنامه‌ریزی شده و هدفمند و عاملانه در برنامه‌های درسی اشاره دارد. این فعالیت آگاهانه به برنامه درسی - که خود موضوع درسی، محتوا و مهارت‌های خاص و نگرش‌های از قبل تعیین شده را شامل می‌شود - مربوط است. اما آنچه که مدرسه به طور ناخودآگاه انجام می‌دهد، چیزهایی است که در یک روش پیش‌بینی نشده رخ می‌دهند. در این روش پیش‌بینی نشده، یادگیری‌هایی که در مدرسه صورت می‌گیرد، برنامه‌ریزی نشده‌اند و به گونه‌ای می‌توان آن را به عنوان برنامه درسی پنهان مطرح نمود. تلاش دانش‌آموزان برای فهم و درک این که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، به شدت تحت تاثیر جنبه‌های برنامه‌ریزی نشده و جنبه‌های آشکار و پنهان کار مدارس قرار می‌گیرد [۱].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

الگوهای تربیتی در قرآن کریم

به رغم وجود عوامل محدودکننده انسان مانند وراثت، طبیعت و جامعه انسان می تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار عوامل محدودکننده در اطراف خود بیرون آید، حتی این توانایی را پیدا می کند که سرنوشت جدیدی را برای جامعه و تاریخ خود رقم زند. برای نمونه: قرآن کریم، همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می کند. آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند. قرآن به تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرات آنها هشدار می دهد. در مورد فرزند حضرت نوح (ع) خداوند به صراحت می فرماید: او از اهل تو نیست، زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است. خداوند متعال به ستایش از جوانان «اصحاب کهف» می پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند [۲].

۱. برترین الگوی تربیتی قرآن

قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستخیز دارند، معرفی می کند: «بی تردید، برای شما در همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی نمونه در (اقتدای به) رسول خدا(ص) است. برای آن که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.» قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام (ص) را به عنوان اسوه و الگوی تربیت مردم معرفی می کند و از او به عنوان صاحب «خُلُق عظیم» یاد

نموده است: «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری» [۳] پیامبر گرامی اسلام (ص) به سبب «خُلُق عظیم» و «رحمة للعالمین» بودن، آینه مکارم اخلاقی برای همگان است، تا آنجا که بارها می فرمودند: «من فقط برای تکمیل و تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث گشته ام.» و در آیه ذیل، خداوند در اوجی تماشایی، رسولش را به داشتن چشم محبت و رحمت و لطف همراه با شکیبایی با مؤمنان می ستاید و به حبیب مهربانش، حضرت محمد(ص)، مباحثات می کند: بی تردید، پیامبری (حضرت محمد (ص)) از میان خودتان (از پیکره خودتان) به سوی شما آمده است که رنجهای شما بر او به غایت ناگوار است. قرآن کریم «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم». رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است، به اندازه ای پیامبراکرم برای هدایت و راهنمایی و رسیدن به سعادت مردم تلاش می کرد و غمناک بود که خداوند در قرآن در چند مورد به آن حضرت تسلیت می گوید و می فرماید: ناراحت و غمناک مباش، از جمله: «جان خودت را به خاطر شدت تأسف بر آنها از دست نده که خداوند به آنچه انجام می دهند عالم است.» [۴].

۲- روش انذار و تبشیر

یکی از روشهای مؤثر در تربیت که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، «انذار و تبشیر» است. مقصود از انذار بیم دادن و ترسانیدن از عواقب گناهان و اعمال زشت است و منظور از تبشیر نوید دادن به رحمت و فضل الهی است. مفسر بزرگ اهل سنت، فخررازی، در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می گوید: در این آیه، واژه «مبشرین» پیش از «منذرین» آمده است، زیرا تبشیر بسان پیشگیری از بیماری است، در حالی که انذار همانند درمان بیماری پس از وقوع آن است. بی تردید همیشه، تبشیر و پیشگیری قبل از درمان ایفای نقش می کند [۵] قرآن کریم در وصف انبیای الهی می فرماید: «فبعث اللّٰه النبیین مبشرین و منذرین» خداوند پیامبران را نویددهنده و بیم دهنده برانگیخت و نیز می فرماید: «و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین» ما انبیا را نفرستادیم، مگر در حالی که نویددهنده و بیم دهنده بودند. قرآن کریم در چند آیه تصریح می کند: «انما انت منذر من یخشیها» همانا کسانی که خشیت الهی دارند آنها را می ترسانی و نیز می فرماید: «لینذر من کان حیاً» پیامبر به وسیله قرآن، کسانی را که حیات انسانی دارند و قلب آنها سالم و پاک است می ترساند [۶].

۳- روش موعظه و اندرز

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر در تربیت روحی انسانها را «موعظه و اندرز» می داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده گرچه خود قرآن کتاب موعظه و اندرز است که از طرف پروردگار برای شفای بیماری های درونی انسان و کسب فضایل اخلاقی نازل شده است [۴۰]. چنان که قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور» ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آنچه در سینه هاست، گرچه از این موعظه قرآن فقط اهل تقوا و بهره مند می شوند. «و موعظه للمتقین» این تعبیر در چهار مورد از قرآن آمده است. قرآن کریم پر از ارشاد و اندرز است. سراسر سوره لقمان و دیگر قصص قرآن، بیشتر جنبه پند و اندرز دارد. چنان که لقمان حکیم برای تربیت فرزندش او را موعظه می نمود: «اذ قال لقمان لابنه و هو یعظه»، زمانی که لقمان به فرزندش گفت و حال این که او را موعظه می کرد، این چنین موعظه نمود: «یا بنی لاتشکر باللّٰه انّ الشکر لظلم عظیم» (سوره لقمان، آیه ۱۳) پسر من! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است. از دیدگاه قرآن کریم، انسان در سراسر عمر، به موعظه و پند و اندرز نیازمند است، چه نوجوان باشد چه عمر او زیاد باشد. بنابراین قرآن موعظه لقمان به فرزند نوجوانش را چنین بیان می کند: «پسر من! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است.» همچنان که موعظه خداوند به حضرت نوح را که عمر طولانی داشت، نیز بیان می کند [۷].

۴- روش نصیحت و خیرخواهی

یکی از روشهای مؤثر برای تربیت نفس که قرآن بدان اشاره نموده است، روش «نصیحت و خیرخواهی» است. قرآن کریم انبیا و پیشوایان دینی را نصیحت کنندگان و خیرخواهان بشر معرفی می نماید که در سوره «اعراف» قرآن کریم از چهار نفر آنها یاد می

نماید: حضرت نوح (ع)، حضرت هود (ع)، حضرت صالح (ع)، حضرت شعیب (ع)، حضرت نوح (ع) می فرماید: «بَلِّغْكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَانصَحْ لَكُمْ» (سوره اعراف، آیه ۶۲) پیامهای پروردگار را به شما می رسانم و شما را نصیحت می کنم. حضرت هود (ع) گوید: «بَلِّغْكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ اَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ اٰمِيْنٌ» (سوره اعراف، آیه ۶۸) رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و خیرخواه امینی برای شما هستم. حضرت صالح (ع) گوید: «يٰقَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لٰكِنْ لَا تَحِبُّونَ النَّاصِحِيْنَ» ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی را انجام دادم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید. حضرت شعیب (ع) گوید: «لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ» (سوره اعراف، آیه ۹۳) من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم [۸].

۵- وصیت به خیر و حق

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر و مفید در تربیت را مسئله «وصیت» دانسته است. وصیت به عنوان یک روش تربیتی فقط در هنگام مرگ و آن هم برای تقسیم اموال و تعیین تکالیف به کار نمی رود، بلکه وصیت که به معنای سفارش و خواستن بعضی از امور است، به صورت گسترده در شریعت اسلام برای بیان وظایف فردی و اجتماعی و رعایت مسایل اخلاقی به کار رفته است. قرآن کریم از حضرت عیسی (ع) نقل می کند: «وَ اَوْصَانِي بِالصَّلٰوةِ وَ الزَّكٰوةِ مَا دَمْتُ حَيًّا» خداوند به من وصیت و سفارش کرد که تا وقتی زنده هستم، نماز بخوانم و زکات بپردازم. خداوند به انسان سفارش می کند که «وَ وَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» با پدر و مادر خود به خوبی رفتار کند، ولی اگر آنها فرزندان خود را وادار کنند که: «لَتَشْرِكَنِيْ بِمَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطْعَمَهُمَا» آنچه را که نمی دانند شریک خدا قرار دهند، در این صورت نباید از آنان اطاعت کنند. قرآن کریم می فرماید انسانها در قیامت در خسران و زیان هستند، مگر کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند و مردم را به حق و حقیقت و صبر و استقامت و فضایل اخلاقی و مکارم نفسانی توصیه کنند [۹].

۶- روش تفکر در طبیعت

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می کند. ابعاد گوناگون جلوه ها و زیبایی های آن را یادآور می شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می کند. بی گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرنهای اهمیت و حساسیت آن شناخته شده و خبر از این حقیقت می دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آنها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی ها تدبر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه های آن در اصل خلقت است. از این رو در آیات مختلف به تدبر و تفکر در طبیعت دستور داده است [۳۹]. چه آنها که به تفکر در مجموعه خلقت امر کرده و چه آنها که به اندیشه در جزء جزء آن، مانند زنبور عسل، شتر، کوه ها و نهرها، درختان و میوه ها، باران، آفتاب و ماه، خواب و غیر آن فرمان داده است. جهان آفرینش آنقدر حیرت انگیز و شگفت آور است که بشر عادی هیچگاه نمی تواند مدعی شود که به تمامی اسرار آن واقف گشته است. و آنچه تاکنون بدان دست یافته، در برابر مجهولاتش همچون قطره ای در کنار اقیانوس بیکران است. بر اساس تعلیم قرآن کریم، شماره موجودات الهی و اسرار آن، پایان ناپذیر است. قرآن کریم می فرماید: «يَعْلَمُوْنَ ظٰهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ هُم مِّنَ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ» آنان جز ظاهری از زندگی دنیا نمی دانند و از ورای آن که جهان آخرت است غافل اند. قرآن کریم می فرماید: «... وَ اِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ الرَّشْدِ لَا يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا وَ اِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَ كَانُوْا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ» اگر راه رشد بر آنان عرضه شود دنبال نمی کنند و اگر طریق ضلالت به آنان ارائه شود می پذیرند و این بدان خاطر است که نشانه ها و آیات ما را تکذیب کرده و از آن غافل اند. در حالی که بر اساس آنچه از آیات قرآنی استفاده می شود، تفکر صحیح در پدیده ها و موجودات دنیای طبیعت، به جهت ارتباط و پیوستگی عمیق بین ملک و ملکوت، انسان را به صورت قهری به سوی عالم ملکوت هدایت می کند [۱۰].

۷- یاد مرگ و قیامت

قرآن کریم یکی از روشهای مؤثر در تربیت را «یاد مرگ و قیامت» دانسته است. این صحیفه آسمانی وقتی پیامبران الهی را به عظمت و بزرگی یاد می کند، می فرماید: یاد قیامت و سرای آخرت بود که آنها را به این مرتبه والا و مقام و منزلت عالی انسانی رسانید. «به خاطر بیابور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان (دستهای نیرومند) و (چشمان بینا) ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند». قرآن کریم علت تباهی و سقوط افراد گنهکار را فراموشی قیامت و روز حساب دانسته و می فرماید: «کسانی که از راه خداوند گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.» [۱۱].

۸- مراقبه و محاسبه

یکی از روشهای تربیت در قرآن کریم «مراقبه و محاسبه» است که علمای اخلاق و ارباب معرفت درباره این موضوع بسیار تأکید و توصیه فراوان نموده اند. معنای «مراقبه و محاسبه» مرحوم نراقی در «جامع السعادات» می نویسد: معنای «مراقبه» آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود تا این که در هنگام محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود. و معنای «محاسبه»، این است: که انسان در هر شبانه روز وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعتها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند. اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده، و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید، اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است [۳۸]. قرآن کریم می فرماید: «سنفرغ لکم آیه الثقلان» به زودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جن! قرآن در آیات متعدد موضوع حسابرسی قیامت را مطرح نموده که به جهت اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

1- «و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به اللّٰه» اگر آنچه را در نفس دارید ظاهر سازید یا مخفی کنید، خدا شما را به آن حساب خواهد کرد.

2- «و نضع الموازین القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئا و ان کان مثقال حبه من خردل اتینابها و کفی بنا حاسبین» میزانهای عدالت را در قیامت برپا می داریم، پس هیچ کس مورد ستم قرار نخواهد گرفت و اگر به مقدار یک مثقال از دانه خردل، عمل داشته باشد آن را برای حساب خواهیم آورد و خود ما برای حسابگری کافی هستیم.

3- «یومئذ الناس اشتاتا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره» در قیامت مردم دسته دسته خارج می شوند تا اعمالشان را مشاهده کنند پس هر کسی ذره ای کار خیر انجام داده باشد آن را خواهد دید و هر کس ذره ای کار شر انجام داده باشد آن را مشاهده خواهد نمود. قرآن کریم برای تربیت بشر در مورد فراوانی می فرماید: خداوند رقیب و عالم به اعمال شما است: «همانا خداوند بر اعمال شما مراقب و حافظ و آگاه است.» [۱۲]

قرآن کریم می فرماید: «و وضع الكتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیہ و یقولون یا ویلتنا ما لهذا الكتاب لایغادر صغیره و لا کبیره الا احصاها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا» و کتاب نهاده می شود، پس مجرمین را می بینی که از آنچه در نامه عملشان به ثبت رسیده، ترسانند و می گویند: ای وای این کتاب چگونه هیچ امر کوچک و بزرگ را فرو نگذاشته، مگر آن که آن را به شمار آورده است و همه اعمالشان را حاضر می یابند و پروردگارت به هیچ کس ظلم نمی کند. «یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تودلو ان بینها و بینها امدا بعیدا» روز قیامت هر کسی هر عمل خیری را انجام داده، حاضر می یابد و نیز هر عمل بدی را مرتکب شده حاضر می یابد و آرزو می کند که بین او و عملش فاصله زیادی باشد [۱۳].

ویژگی های نظام تربیتی در نهج البلاغه

مهم ترین ویژگی های نظام تربیتی از دیدگاه نهج البلاغه تحت چهار عنوان جنبه هدایتی، جنبه اجتماعی، جنبه عقلانی و جنبه معنوی آن قابل بحث است:

جنبه هدایتی

مهم ترین جنبه نظام تربیتی در نهج البلاغه را جنبه هدایت انسان در حرکت، در مسیر حق، در طول زندگی او در این جهان تشکیل می دهد. کلیه اعمال و حرکات انسان و اندیشه های او در مورد خویشتن و دیگران در تمامی موارد و موفقیت های زندگی تحت الشعاع مسئله حق جویی و حقیقتی، تفکر منطبق با حقیقت و عمل حق طلبانه قرار دارد. درباره جنبه هدایتی در نظام تربیتی، در خطبه ۱۶ چنین تصریح شده است: «انحراف به راست و چپ، گمراهی و ضلالت است. راه مستقیم ومیان، جاده وسیع حق است. به این راه در قرآن و آثار نبوت و نیز سنت پیامبر(ص) توصیه شده، و سرانجام، همین جاده، مقیاس کردار همگان است و راه همه باید به آن منتهی شود» [۳۷]. یا در خطبه ۱۳۳ آمده است: «این کتاب خدا است که با آن می توانید حقایق را ببینید، با آن سخن بگویید و با آن بشنوید». جنبه هدایتی این نظام تربیتی، آماده سازی انسان را برای شناسایی حق و مبارزه علیه باطل ایجاب می کند، چنان که امام (ع) در خطبه ۲۴ می فرماید: «به جان خودم سوگند که در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه ورنند، آنی سستی و مدارا نمی کنم!». مبارزه در راه حق، مستلزم آگاهی از طریق هدایت است، و از سوی دیگر باید با تکیه بر اتحاد و ایمان به حقانیت، مبارزه صورت پذیرد. زیرا «حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید» (خطبه ۲۹) [۳۶] این تلاش و کوشش زمینه ساز رشد حکمت و دانش و عامل باروری قوای جسمانی و روحانی و استعدادهای بالقوه انسان است و موفقیت او را در زندگی دنیوی و کسب سعادت اخروی تضمین می کند. پیروی از حق او را از همه گمراهی ها و ارتکاب به منکرات بازمی دارد و لذا توشه او در این جهان، پربار از اعمال نیک خواهد بود. پیروی از حق، انسان را به مسیر یقین و اجتناب از بدعتگذاری و ابداع شبهات وامی دارد و این امر با بصیرت و بینش انسان صورت می گیرد که طبعاً باید با احکام و مفاد حکیمانه قرآن کریم هدایت شده باشد. تکیه بر اصل معاد، یکی دیگر از جنبه های آگاه سازی انسان برای هدایت او است. ایمان به حیات پس از مرگ، عامل کنترل کننده و جهت بخش اعمال و رفتار انسان در زندگی دنیوی او است که چنانچه به پیروی از حق باشد، سعادت اخروی در پی دارد و اگر در جهت باطل جریان یابد، بدبختی و مجازات را در جهان دیگر به دنبال خواهد داشت (خطبه ۲۱) [۱۴].

جنبه عقلانی

یکی از مهم ترین جنبه های نظام تربیتی از دیدگاه نهج البلاغه، تکیه بر عقل و استفاده از روش عقلانی در برخورد با امور است، چنان که یکی از وظایف پیامبران در قبال مردم در طی مدت نبوتشان این بوده است که گنج های پنهانی عقل هارا آشکار سازند. چنان که امام (ع) در خطبه ۱۹۸ می فرماید: «قرآن برهانی است برای کسی که به گفته هایش استدلال کند، شاهد و گواهی است برای آن که از آن سخن بگوید، و پیروزی و غلبه است برای افرادی که به آن استدلال کنند». به طور کلی شخص عاقل در نهج البلاغه بدین صورت توصیف شده است که با چشم قلبش پایان کار را می نگرد و پستی و بلندی های آن را تشخیص می دهد و با بینایی عمل می کند، بر شهوات و هوس های خود مسلط است، در راه تکامل گام برمی دارد، با اعتقاد به آخرت دنیا را نادیده می انگارد، در جهت رضایت پروردگار خویش عمل می کند، با حرکت در مسیر حق با روش اعتدال گام بر می دارد و از تجربیات خویش استفاده می کند و از مشاوره و پند و اندرز ابایی ندارد، کم سخن می گوید و اساس روابط اجتماعی خود را بر دوستی و محبت و عدالت پی ریزی می کند. به طور کلی خط مشی زندگی شخص عاقل در نهج البلاغه بدین صورت خلاصه شده است: «برای شخص عاقل درست نیست که حرکتش جز در یکی از این سه جهت باشد: برای اصلاح امور زندگی یا در راه آخرت یا در لذت غیر حرام» (حکمت ۳۹) [۱۵]

جنبه معنوی

این جنبه از نظام تربیتی، در تربیت انسان باتقوا و مخلص، با ایمان راسخ به وحدانیت پروردگار و توانایی مطلق او در تسلط به زندگی موجودات و گرایش به طبیعت با اعتقاد به ترس از خدا و پیروی از واجبات او آشکاراست، انسانی که در هر حال و در هر زمان در هر موقعیت، به یاد خدا زاهدانه زندگی می کند، پیوسته به او متوسل می شود، و از او هدایت می پذیرد به این اعتقاد که «او کفایت کننده ما بهترین وکیل است» (خطبه ۱۸۲) [۳۵]. امام (ع) در این باره در نهج البلاغه می فرماید: ستایش مخصوص

خداوندی است که ... از او استعانت می‌طلبیم، استعانت کسی که به فضل پروردگار امیدوار است، به سودش آرزومند، از زیان نرساندنش مطمئن، به قدرت اومعترف، و به گفتار و کردار او معتقد است. (خطبه ۱۸۲) [۳۴] اخلاق، والاترین رتبه تقرب انسان به پروردگار خویش است، بنابراین، از لحاظ معنوی روحی برانسان واجب است که در مسیر عمل، گفتار و کردار مخلصانه گام نهد و عمل کند، زیرا محبوب‌ترین بنده نزد خداوند همانا مخلص‌ترین او است به ویژه اگر این اخلاص در گواهی انسان به وحدانیت و ایمان به خداوند یکتا باشد. چنان که امام (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: برترین وسیله که متوسلان می‌توانند با آن به سوی خدا تقرب

جوینند... کلمه «اخلاص» [شهادت به یگانگی خدا در رسالت پیامبر (ص)] است که هماهنگ با سرشت بشر است. (خطبه ۱۱۰) و این مسیر مخلصانه عبارت است از اعتقاد به پیشبرد عدالت و پیروزی حق، شرکت در جهاد علیه باطل و برتری ایمان، بروز صبر و بردباری در برابر ناراحتی‌ها و کوشش پیگیر با دشمن و استقامت در برابر ملزوماتی که از بعد معنوی باید هدف تربیت قرار گیرد [۱۶].

جنبه اجتماعی

در نظام تربیتی اسلامی در تعلیم و تربیت انسان، بر هر دو بعد جمع‌گرایی و فردگرایی تأکید می‌شود. به همان سان که افراد تربیت شده پایه‌های یک جامعه سالم و مسلمان را پی‌ریزی می‌کنند، یک جامعه متکی بر روابط اجتماعی عادلانه و اسلامی، زمینه‌ساز موقعیت‌هایی است که هر یک به نوبه خود می‌توانند در تکوین مثبت شخصیت معنوی و اجتماعی فرد تأثیر به‌سزایی داشته باشد. بدین جهت، این بعد تربیتی با اهمیت خاصی متأثر از نظریات عقیدتی اسلام، در نهج البلاغه مطرح شده و امام علی (ع) هم به آن توجه داشته است. نظام روابط اجتماعی مبتنی بر انس و محبت، اتحاد و دوستی، عدالت و حق‌جویی، تواضع و فروتنی، نیکی و احسان، و عفو و بخشش، زمینه رشد ابعاد مختلف شخصیت انسان را در جامعه اسلامی فراهم می‌سازد. استمرار روابط خویشاوندی و نیاز انسان به شرکت در این روابط، موضوعی است که در نهج البلاغه تأکید شده است: ای مردم! انسان هر اندازه که ثروتمند باشد، از بستگان و اقوام خود بی‌نیاز نیست، که از وی با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و ناراحتی او را از بین می‌برند، و در آن هنگام که حادثه‌ای پیش آید، آنها به او پرعاطفه‌ترین مردم اند. (خطبه ۲۳) [۳۳] و در این نوع ارتباطات انسانی، عواملی نظیر طبقه اجتماعی، مال و ثروت، نژاد، و رنگ و دین نباید دخالت داشته باشد، چنان که پیامبر (ص) درباره انصار توصیه فرمود که با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید! (خطبه ۶۶) [۳۲]. در نظر امام (ع)، اتحاد و برادری تحت عنوان «بیعت» مسلمین با رهبر خویش و در ارتباط با یکدیگر، ارزش‌والایی دارد، و وظیفه آحاد جامعه، پیروی و اطاعت از رهبری عادل و عاقل و حق‌طلب است که منافع مسلمین را بر هر چیزی مقدم می‌دارد. یکی دیگر از مسایل مهم در بعد اجتماعی تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، پی‌ریزی جامعه‌ای متکی بر اخلاق اسلامی است که در آن انسان‌های باتقوا، زاهد، با ایمان، عاقل و آگاه، متواضع و صادق و عادل تربیت شوند و بدینوسیله ثمرات چشمگیر تربیت اسلامی را مشخص سازند از این دیدگاه، قابلیت تأثیر پذیری فرد از جمع و تشکل سازنده جمع از فرد و قابلیت تغییر رفتار فرد از نظر تربیت مطرح شده است (خطبه ۲۳۸) [۱۷].

اهداف نظام تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار علیهم السلام

ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مجریان احکام الهی، در بعد آموزش، اهداف علمی را دنبال می‌کردند تا بدین طریق، علاوه بر پیشبرد وضعیت علمی، سطح فکری و درک اجتماعی مردم را کیفیت بخشند. در بعد پرورشی نیز در پی رشد اخلاق، اعتقاد و پرورش استعدادهای فطری آنان بودند [۱۸].

الف. اهداف تربیتی

مهم‌ترین اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بر محور شناخت خدا، انسان و هستی، و به عبارت دیگر، ایمان به اصول و فروع دین اسلام و اخلاق استوار است. ایشان با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در توجه

مسلمانان به این اصول زیربنایی داشتند تا از این طریق، به اهداف نظام اسلامی دست یابند، زیرا زمانی تلاش آنان در تعلیم و تربیت مسلمانان سودبخش است که مترقی به اصول موضوعه اسلام ایمان و اعتقاد داشته باشد. به همین دلیل، یکی از مواد آموزشی آنان در جهت تربیت مردم، آموزش معارف دینی بود. در رأس این تلاش ها، توجه دادن مردم به شناخت مبدأ آفرینش، پرستش وی به عنوان خدای یگانه اهمیت بیشتری داشت [۱۹].

۱. توجه به اصول اعتقادی دین و مذهب

اولین هدف تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در تعلیم و تربیت شیعیان، توجه دادن آنها به اصول دین و مذهب است و در رأس این تلاش، توجه دادن مردم به مباحث توحید در بعد افعال و صفات خداوند، شناخت و ایمان به او و در نهایت، پرستش او به عنوان تنها پروردگار جهان، خداوندی که یگانه است و همه امور به دست قدرت اوست. به فرمایش امام علی علیه السلام سنگ بنای اسلام معرفت به خداست. [۲۰] هدف دیگر آنان توجه دادن مردم به حقایق معاد، نبوت و وحی، و امامت است. امامان شیعه علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان بر حق پیامبر، مفسران وحی و کلام الهی هستند. آنان به دنبال پی ریزی نظامی تربیتی بودند که از طریق پیامبر و قرآن به پروردگار عالم منتهی می شود [۲۱].

۲. توجه به احکام و قوانین شرعی

ائمه اطهار علیهم السلام در بعد تربیتی، در پی آگاه کردن مردم به قوانین شرعی و توجه دادن آنان در عمل به این فرامین بودند. آنان در زمان ها و مکان های مناسب، شیعیان را به پیروی و یادگیری احکام اسلام فرا می خواندند [۲۲].

۳. رشد اخلاق

یکی دیگر از اهداف تربیتی امامان دین علیهم السلام در تعلیم و تربیت، توجه دادن مسلمانان به اخلاق، آداب اجتماعی، تقوای الهی و رشد تربیت دینی است. «تربیت دینی» عبارت است از: مجموعه ای از اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های معتبر دین به افراد، به نحوی که آنان در عمل و نظر، به آن آموزه ها متعهد گردند. از این رو، در توجه به این حقیقت، تمامی اعمال و رفتار انسانی معنا پیدا می کند. لازم به ذکر است که در زمینه رشد و تعالی اخلاق و تربیت دینی مردم، اولین گام کردن دیگران به ادب کردن خود بپردازد و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد و نه به گفتار. [۲۳] تلاش بزرگان دین علیهم السلام در تربیت دینی و رشد اخلاقی شیعیان، به گونه ای است که آغازین مرحله آن توجه دادن فرزندان خویش به مسائل تربیتی و آموزش آنان است و در رأس مباحث اخلاقی، اخلاق سپاسگزاری از پروردگار، چنان که امام باقر علیه السلام پیش از طلوع آفتاب، فرزندان را جمع می کرد و به آنها دستور می داد قرآن تلاوت کنند و یا ذکر بگویند. [۲۴] یا امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمودند: ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم. [۲۵] نیز آنان تمام تلاش خود را در نهادینه کردن این نوع تربیت در رفتار شیعیان به کار می بستند تا معیار بازشناسی آنان از دیگران باشد. همچنین از این طریق، به اصلاح جامعه می پردازند، زیرا اگر جامعه اصلاح نشود فساد برخی نابودی دیگر اقشار جامعه را در پی خواهد داشت. معصومان: برای رشد اخلاقی و تربیتی جامعه اسلامی، مسلمانان را به کیفیت بخشی اعمال، که همان «تقوا» باشد، توجه می دادند. «تقوا» به معنای حفظ و نگه داری است و در تعلیم و تربیت، این واژه به معنای حفظ و اداره و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر عقلانی و وحیانی است. درباره اهمیت وجود تقوا، در زندگی انسان ها، امام علی علیه السلام می فرمایند: ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم که تقوا حق خداست بر شما، و حق شما بر خدا سبب شود از خدایی یاری جوید که به تقوایتان یاری دهد. . . راه تقوا راهی روشن است و پناهگاه فردا، راهی است که شما را به بهشت می رساند. [۲۶]

ب. اهداف آموزشی**۱. پرورش استعدادها**

با توجه به معنا و مفهوم «تربیت»، این واژه بر پرورش استعدادهای درونی انسان و فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، در تربیت و تعلیم دینی، اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام به پیشبرد تمایلات فطری و استعدادهای متنوع مرتب با روش‌ها و ابزارهای آموزشی است. آنان در این راه، با کشف این استعدادها، به پرورش شاگردان برجسته‌ای در زمینه‌های گوناگون پرداخته‌اند و آنان را به تفقه و تفکر در دین و علوم فراخوانده‌اند [۲۷]. اگرچه در هنگام برگزاری جلسات علمی از سوی ائمه معصوم علیهم السلام افراد زیادی حضور می‌یافتند و روایات آنها را نقل می‌کردند، اما شیعیانی که توانایی بالقوه‌ای داشتند با مدیریت علمی و تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام توانایی هایشان فعلیت یافته و مایه افتخار جامعه اسلامی گردیده‌اند. بنابراین، در بعد آموزشی، هدف معصومان علیهم السلام توجه به امورزیربنایی و اموری است که در آنها باید به تربیت کودکان اهتمام ورزید تا در سنین بالاتر، جامعه علمی و تربیتی و مدینه فاضله تشکیل شود [۲۸].

۲. آموزش علوم و خلق آثار علمی

در بعد آموزشی، ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر آموزش مبانی نظری دین به مسلمانان، در تلاش بودند تا آنان را به فراگیری علم و دانش در زمینه‌های گوناگون و مورد نیاز جامعه از جمله قرآن، فقه و مباحث اعتقادی تشویق کنند و بدین وسیله، با خلق آثار علمی، کمیت و کیفیت دانش اسلام را به عنوان آیینی فرهنگ و تمدن ساز معرفی کنند. آنان در این راه، دانش پژوهانی تربیت نمودند که آثار علمی با ارزشی در عرصه‌های گوناگون به وجود آوردند، چنان که حتی گاهی ائمه اطهار علیهم السلام با اصلاح و بررسی نوشته‌های شیعیان، آنها را آماده نشر می‌ساختند. عبدالله حلبی کتاب خود را به امام صادق علیه السلام عرضه داشت و امام علیه السلام آن را تصحیح کردند. [۲۹] ثبت آثار علمی زیادی از سوی ائمه هدی علیهم السلام نشانگر پیش‌گامی آنان در این هدف بزرگ است. برخی از این آثار یا به وسیله خودشان با عنوان «صحیفه^۱» و یا «مصحف» جمع‌آوری گردید و یا به صورت املا بود و شاگردان به ثبت و ضبط آن پرداخته‌اند.^۲ در روایتی از امام باقر علیه السلام برای پاسخ به مسئله‌ای که از ایشان پرسیدند، ایشان به کتاب امام علی علیه السلام مراجعه کردند و از روی آن پاسخ گفتند. [۳۰] دانش و آگاهی امامان معصوم علیهم السلام و تسلط آنان بر علوم اسلامی، آنان را در جایگاهی قرار داده است که همواره مورد مراجعه و توجه دانشمندان فرق گوناگون بوده‌اند. آنها توانسته‌اند با تشکیل کرسی درس و یا مناظره گاهی رسمی و گاهی غیررسمی و مخفیانه به شکل‌گیری نظام آموزشی اسلام کمک کنند، چنان که در دوران امام سجّاد علیه السلام فقهای هفت‌گانه اهل سنت در مدینه مشغول فعالیت علمی بودند، اما در این دوران، فقه و تفسیر معارف شیعی امام سجّاد علیه السلام برتر از فقه آنان بود. ابن ابی الحدید اعتراف شافعی درباره علمیت امام سجّاد علیه السلام را چنین نقل می‌کند: من علی بن الحسین علیه السلام را داناترین شخص به فقه در میان اهل مدینه یافتم. [۳۱]

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که توجه به این‌که جوامع چه ارزش‌هایی را به جوانان عرضه می‌کنند و چگونه و با چه رویکردها و روش‌هایی، اخلاقیات و ارزش‌ها را به آنها می‌آموزند و به تربیت اخلاقی و ارزشی آنها اقدام می‌کنند، موضوعی است که از قدیم‌الایام (از زمان سقراط، افلاطون و ارسطو) تا قرن بیستم مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده است. جان دیویی آمریکایی، جان ویلسون انگلیسی، کلبِرگ و... از جمله کسانی هستند که در قرن بیستم به این موضوع پرداخته‌اند. تعلیم و تربیت اخلاقی و

^۱ همانند صحیفه علی علیه السلام که در زمینه حدیث، به املائی رسول خدا صلی الله علیه و آلهو به خط امام علی علیه السلام بود. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی،

۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۴

^۲ همانند صحیفه سجّادیه که به املائی امام باقر علیه السلام و توسط زیدبن علی نوشته شد.

ارزشی فرایندی است اجتناب‌ناپذیر، زیرا دولت و یا ملت، مدارس و خانواده‌ها و نیز کودکان و نوجوانان، خواه‌ناخواه، ملاکهای خاص درست و یا نادرست بودن را انتخاب می‌کنند و آنها را توسعه می‌بخشند، هرچند که این انتخاب نظامدار و برنامه‌ریزی شده نباشد. این مطالعه نشان داد، هر مسلمانی معتقد است که قرآن فی‌نفسه به عنوان سخن خدا غیرقابل ترجمه است، نه فقط در معنی معمولی آن که بزرگترین کارهای ادبی نیز در رقابت با آن ناتوان هستند. بلکه به این خاطر که معانی آن نمی‌تواند از هماهنگی^۱ و ریتم ناشی از قرائت آن تفکیک شود. البته روش‌های سنتی مورد نظر مورد نقد فراوان نیز واقع شده‌اند. از جمله این که به واسطه تکیه بر روش‌های سنتی تربیت اخلاقی از جمله حفظ کردن و ... نمی‌توان به کنه واقعی اخلاق و مذهب و ارزش‌ها دست یافت.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم، محمد ابوالفضل (۱۹۶۲م) شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیا الکتب العربیه
۲. ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷) شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی،
۳. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۴۱۸ق) الکامل فی التاریخ، تحقیق، عبدالله الضیای، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، سوم
۴. ابن سعد، (۱۳۷۴) الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه
۵. ابن کثیر، (۱۴۰۷) البدایة و النهایة، بیروت، دارالکتب العلمیة،
۶. ابن منظور، (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت، دارصادر،
۷. ابن هشام، (۱۳۹۴) السیره النبویة، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، کتابچی
۸. ابوالقاسمی، محمد جواد، (۱۳۸۴) بسوی رویکرد تربیتی در جامعه ایران، انتشارات عرش پژو، تهران - ایران
۹. ادیب، علی محمد حسین، (۱۳۸۲)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ترجمه سید محمد رادممنش، تهران، مؤسسه انجام کتاب،
۱۰. اسماعیل علی، سعید و جواد رضا، محمد، (۱۳۸۴) مکتب‌های و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، مترجم، بهروز رفیعی، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ص ۱۵۷-۱۵۸،
۱۱. اصفهانی، راغب، (۱۴۱۴) المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم،
۱۲. افخمی اردکانی، محمد علی (۱۳۸۶) تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، فصلنامه نهج البلاغه، شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن، ص ۱۶،
۱۳. آقابخشی، علی، (۱۳۷۹) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار،
۱۴. امامی، جعفر، آشتیانی، محمد رضا، (۱۳۵۸)، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه زیر نظر استاد محقق ناصر مکارم شیرازی، ج ۳، چ ۵، مؤسسه مطبوعاتی هدف،
۱۵. آمدی، عبدالواحد، (۱۴۰۷) غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۱۶. امیری، علی‌نقی (۱۳۸۵)، «رویکردهای مختلف نسبت به رابطه علم و دین»، پژوهش‌های دینی، س ۲، ش ۴،
۱۷. امین زاده، محمد رضا (۱۳۹۶) فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات در راه حق،
۱۸. آنتونی گیدنز، (۱۳۸۶) جامعه شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، بیستم، ص ۸۶،
۱۹. انصاری، ابراهیم (۱۴۱۴) اوائل المقالات، بیروت، دارالمفید
۲۰. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۸) نهج البلاغه، (ترجمه) تهران، فرهنگ اسلامی،
۲۱. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۹۴) صحیفه سجّادیه، ترجمه، تهران، سروش
۲۲. ایروانی، شهین (۱۳۸۸) رابطه نظریه و عمل در تعلیم و تربیت، تهران علمی و فرهنگی،
۲۳. ایمانی، محسن (۱۳۶۶) تربیت اجتماعی، فصلنامه تربیت، شماره ششم، سال سوم، اسفند، ص ۳۱،

¹ Harmony

۲۴. باغستانی، اسماعیل، معینی، محسن، (۱۳۸۸)، تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی، تهران، نشر کتاب مرجع،
۲۵. باقری، خسرو (1389) درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، علمی و فرهنگی،
۲۶. بحرانی، یوسف بن احمد(بی تا)، لؤلؤه البحرین، چاپ دوم، قم، موسسه آل البیت،
۲۷. براون، ادوارد(۱۳۶۹ش)، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، چاپ اول، تهران، مروارید،
۲۸. بطروشفسکی، ایلیا پاولویچ(1354ش)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، چ چهارم، تهران، پیام،
۲۹. بلاذری، احمد بن یحیی،(۱۳۹۷ق) انساب الاشراف، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات،
۳۰. بهشتی، سعید(۱۳۸۶) زمینهای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت غرب، تهران، اطلاعات،
۳۱. بهمنیار، رضا،(۱۴۱۰) فرهنگ ابجدی عربی فارسی، تهران، اسلامی
۳۲. بی‌نا(۱۳۸۴ش) مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، چاپ اول، تبریز، ستوده،
۳۳. پشویبی، مهدی،(۱۳۷۸) سیره پیشوایان اسلام، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق(علیه السلام) چاپ هشتم،
۳۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (بی تا)، ب، غُرُّرُ الْحِکْمِ وَ دُرُّرُ الْکَلِمِ، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، تهران، بی‌نا،
۳۵. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد،(۱۳۷۳) الغارات، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد،
۳۶. جعفری، سید محمد مهدی (۱۳۷۳) آموزش نهج البلاغه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳۷. جعفریان، رسول،(۱۳۷۳) تاریخ سیاسی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات تهران، ایران
۳۸. جعفریان، رسول،(۱۴۸۰ق) سیره رسول خدا(صلی الله علیه و آله) قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول
۳۹. جمعی از مؤلفان(۱۳۸۸ش) تاریخ و جغرافیای تصوف، چاپ اول، تهران، نشر کتاب مرجع،
۴۰. جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۹) جامعه در قرآن، قم، اسراء، سوم، ص ۲۴،